

هو الله - ای عبد جمال قدم منظوم چون لثالی منثور...

عبدالبهاء عباس

اصلی فارسی



لوح رقم (173) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،
جلد 8، صفحه 126

هو الله

ای عبد جمال قدم منظوم چون لثالی منثور منظور گشت فصیح و بلیغ بود و بدیع و لطیف دلالت بر کمال محبت مینمود و بلسان فصیح مدح و ستایش جمال قدم بود از این جهت نهایت مسرت رخ نمود و فی الحقیقه شایان ستایش و ثنا بود و اما آنچه تعلق باین عبد داشت این نه اوصاف من است وصف اینعبد و نعت و محامدم عبودیت آستان مقدس است جز این سمتی نجویم و بغیر از این صفتی ندانم درمان هر دردم بندگی درگاه الهی است و مرهم هر زخم عبودیت بارگاه غیر متناهی ستایش باید موافق حقیقت و روش باشد و الا آزمایش است شخص ممدوح در امتحان و افتتان افتد و معاذ الله از برای خویش قدر و شأنی بیند آنوقت باسفل نیران افتد ما را نخر و مباهات باین است که بنده این درگاهیم و خاک آستان این بارگاه اینست علویت آسمانی اینست منقبت رحمانی و اینست موهبت سبحانی چرا از این موهبت چشم پوشیم و معاذ الله از برای خود مقامی گمان کنیم ما که ایم ما چه ایم آنچه بوده و هست او است و آنچه فائض بر عالم وجود است اسماء و صفات حضرت دوست پس تو در این گلستان چون بلبل بدیع الالخان شهنازی و آوازی در عبودیت آستان بهر این اسیر حرمان بر آرتا دل و جانم شادمان گردد و ضمیر و وجدانم کامران شود و السلام (ع ع)



ORIGINAL